وبسایت اینترنتی جزوه و تمرین

@JozveTamrin

scan me🧐!!

www.wtiau.net

Subject:

☆ ایمان: ریشه این کلمه "أمن" است و در لغت به معنی "امنیت یافتن" است

در اصطلاح به معنی باور قلبی است و جزء وجدانیات است یعنی باید وجدان کند (شخص)

انواع باور:

۱- باور جسمانی:

۲- باور عقلی: چیزهایی که عقل انسان آنها را می‌پذیرد مانند قوانین حاکم بر دنیا (فیزیک) و علم‌های دیگر و آنها را قبول دارد (ایمان دارد)

۳- باور قلبی: نوعی خاصی از ایمان و باور است که انسان از اعماق وجود آن را قبول دارد و غیرقابل انکار است

ایمان و شک در مقابل هم هستند

ایمان	شک
آرامش	ناآرام
امیدواری	ناامیدی
شور و حرارت	سردی و سستی

منظور از ایمان، ایمان مذهبی است

ضعف ایمان این است که جهت ندارد و می‌تواند انسان را به انحراف هدایت کند

برای جبران این ضعف چیزی به نام معرفت وجود دارد که به ایمان جهت می‌دهد

☆ رابطه ایمان و معرفت: ایمان باید مبتنی بر معرفت باشد

اگر ایمان مبتنی بر معرفت نباشد:

۱- ایمان انسان، ایمان به جهل و خرافات و تاریکی‌ها خواهد بود (ایمان شکننده و سست است و ذهن انسان خالی است)

۲- احتمال گمراهی انسان افزایش می‌یابد

Subject:

اگر ایمان مبتنی بر معرفت نباشد: ۱- ایمان انسان با ایمان جهل و خرافات و تاریکی خواهد بود

۲- احتمال گمراهی انسان افزایش می‌یابد

رابطه ایمان و عمل صالح: مثل کمک کردن حاتم طایی به نیازمندان و فقیر! در صورتی که بت پرست بود نه

و ایمان اگر کسی توبه کند حتی اگر گناه کرده باشد توبه خالصانه باعث می‌شود گناهان پاک شود

دلایل: ۱- عمل صالح جلوه خارجی ایمان است (علامه طباطبایی) (عمل صالح میوه درخت ایمان است)

۲- در قرآن همیشه ایمان و عمل صالح همراه با هم ذکر شده‌اند.

رابطه ایمان و اختیار:

دلایل: ۱- ایمان امری قلبی است و اختیار قلب با انسان است

۲- در قرآن ایمان امری اختیاری معرفی شده است. لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی

متعلقات ایمان:

خدا، معاد، انبیاء، کتب آسمانی، فرشتگان، امامان، عالم غیب

عالم شهود: عالمی است که با حواس پنج گانه و یا ابزار مادی قابل درک است

عالم غیب:

مراتب و درجات ایمان: یا ایها الذین آمنوا آمنوا

یک فرد طبق چه ملاکی ایمان خودش بسنجد؟

۱- میزان شک ۲- گناه

مراتب	اقرار	انکار
کفر	۴۰ ← ۰	۱۰۰ → ۶۰
شک	۵۰	۵۰
ظن	۱۰۰ → ۶۰	۴۰ ← ۰
یقین	۱۰۰	۰

IDEA

Subject:

خداشناسی :

راه های شناخت خدا:

۱- راه قلب : (راه عرفا و متدین ها)

۲- راه طبیعت : (برهان نظم)

۳- راه فطرت :

۴- راه عقل :

پیام های عرفا در زمینه خداشناسی :
(نظرات و اعتقادات عرفا)

۱- خداوند نیازی به اثبات ندارد (از نظر عرفا باید چیزی مجهول باشد (مخفی شده باشد) تا اثبات شود و چیزی که مخفی نیست نیازی به اثبات ندارد)

۲- علت غفلت انسان از خداوند تکرار بیش از حد او در طبیعت است.

۳- شناخت خدا یک کار عملی است نه یک کار علمی و آن تزکیه نفس است (از نظر عرفا انسان باید قلب (نفس) خود را از پلیدی ها پاک کند)

برهان نظم مبتنی بر دو مقدمه است : (اثبات خداوند از طریق برهان نظم)

الف) طبیعت نظم دارد (مقدمه تجربی) ب) هر نظمی ناظم دارد (مقدمه عقلی)

* چون به کمک علم آن را ثابت می کنیم

پس طبیعت ناظم دارد

IDEA

Subject:

تقریر (بیان) های گوناگون برهان نظم:

۱- برهان نظم از طریق موارد جزئی (یعنی مثال هایی از نظم در طبیعت را بیان کنیم)

۲- برهان نظم از طریق موجودات فاقد شعور (مثال هایی از نظم در طبیعت را بیان می کنیم که نظم دارند ولی شعور ندارد یعنی [redacted] به اختیار کارهای خود را انجام نمی دهند)

۳- برهان نظم از طریق [redacted] وحدت عالم (یعنی کسی دارد این جهان را اداره می کند)

چگونه عقل انسان از مشاهده موجود منظم به ناظم پی می برد؟

گزینش ← گزینشگر (ناظم)

ما از طریق گزینش ها به وجود ناظم (گزینشگر) پی می بریم

۱- گزینش در مواد اجزاء
۲- گزینش در شکل اجزاء
۳- " " مکان اجزاء

← تمام این انتخاب ها را حتماً کسی در کنار هم قرار داده شده است که دارای نظم خاصی است و به خوبی کار می کند پس به وجود ناظم گزینشگری پی می بریم

اشکالات برهان نظم:

دیوید هیوم: محاورات درباره دین طبیعی

۱- در برهان نظم، ناظم اثبات می شود نه خدا

۲- بی نظمی های طبیعت چگونه توجیه می شود؟

۳- نظم طبیعت تصادفی است

الف) براساس حساب احتمالات، احتمال تصادفی بودن نظم طبیعت نزدیک به صفر است

ب) اگر نظم طبیعت تصادفی بود، طبیعت باید به صورت بی نظمی درک می کرد

IDEA

Subject:

تعریف نظم: همکاری مجموعه‌ای از اجزاء برای رسیدن به هدف (یعنی کسی این اجزاء را به این شکل قرار داده است)

راه فطرت: ریشه این کلمه "فطر" است که به معنی "آفریدن، آفریدن" .

فطر ← خلقی که ابتکار و نوآوری در آفرینش آن وجود داشته باشد

فطرت بر باب فِعْلَة است و هر کلمه‌ای که به باب فِعْلَة می‌رود یک معنی خاصی دارد (نوع خاصی)

فِعْلَة	فَلَسَ ← جِلْسَة	ضَبَغَ ← صِبْغَة
فطرت	نوع خاصی نشست	نوع خاصی رنگ کرد
نوع خاصی آفرید		

ابعاد فطرت:

۱- بعد بینش (و تعقل): انسان از نظر تفکر فاصله زیادی با حیوانات گرفته است (تعریف ساده)

تعریف پیچیده: الف) معلومات فطری:
۱- الف، الف است
۲- کل از جز بزرگتر است
۳- تناقض محال است
۴- هر پدیده‌ای، پدیدآورنده‌ای دارد

ب) شناخت فضایل اخلاقی مانند: راستگویی، احترام، خوش اخلاقی
راستگویی خوب است، دزدی بد است انسان فطرتاً می‌تواند این‌ها را تشخیص دهد

۲- بعد گرایش:
۱- حقیقت جوی (به همین شکل است که توانسته علم و تمدن را بوجود و پیشرفت دهد)
۲- زیبا دوستی (به همین شکل است که توانسته هنر را بوجود بیاورد)
۳- عشق و پرستش (انسان به صورت فطری دوست دارد که کسی را دوست داشته باشد و کسی اورا دوست داشته باشد)
۴- گرایش به فضایل اخلاقی

Subject:

۳- بعد توانش: ۱- علم آموزی (انسان می‌تواند علم زیادی را در بر گیرد و محدودیتی در علم آموزی ندارد)

۲- زبان آموزی (انسان تنها موجودی است که می‌تواند صحبت کند)

۳- قرب الهی (انسان تنها موجودی است که می‌تواند به خدا نزدیک شود)

۴- آفرینش و ابتکار (انسان می‌تواند خلق کند و توانایی داشته باشد)

ویژگی های امور فطری:

۱- در نوع بشر وجود دارند

۲- اکتسابی نیستند

۳- از بین نمی روند

عوامل بیداری فطرت

۱- ناامیدی مطلق

۲- بررسی مشاهده شگفتی‌های آفرینش

راه عقل: برهان عِلّی (امکان و وجوب، سینوی، صدیقین)

شکل اول:

۱- موجودات جهان دارای صفاتی هستند که این صفات یا از آنِ خودشان است و یا از آنِ خودشان نیست

۲- یکی از صفات موجودات که صفتی عام و مشترک است "وجود" است و طبق بند ۱ این صفت یا از آنِ موجودات است یا نیست

۳- اگر موجودی، وجودش از آنِ خودش نباشد رابطی دارد مانند: وابستگی، نیازمندی، ←

IDEA

Subject:

دلایل اثبات معلول بودن جهان

حرکت و تغییر، فنا پذیر، حادث، زمان و مکان واقع می شود، ترکیب دارد.

نتیجه: من و موجودات اطراف من دارای این شرایط هستیم پس وجود ما از آن خودمان نیست

بنابراین باید موجودی ما را بوجود آورده باشد

شکل دوم:

۱. موجودات جهان یا علت یا معلول

۲. اما معلولند زیرا شرایط معلوم بودن را دارند مانند: وابستگی، نیازمندی، حرکت و تغییر و...

نتیجه: پس چون معلولند به علت نیازمندند

شبهات برهان علی:

۱. شبهه تسلسل ۲. شبهه دور ۳. شبهه علت نخستین

۱. شبهه تسلسل:

(معلول) (معلول) (معلول)
معلول ← علت ← علت ← علت .....

سلسله علت و معلول تا بی نهایت پیش برود و به نقطه آغاز هستی نرسیم

نقد: اگر تسلسل را بپذیریم هیچ موجودی بوجود نخواهد آمد بنابراین وجود داشتن موجودات نشان می دهد که تسلسلی وجود نداشته است

۲. شبهه دور: یعنی به صورت دوری می باشد و به شکل زیر می باشد

الف ← ب ← ج ← الف

(الف: موخر مقدم، ب: مقدم، ج: موخر مقدم)

اگر الف مقدم باشد ب: موخر می باشد اگر ب: مقدم باشد الف: موخر می باشد (ضعیف و قوی)

IDEA

Subject:

شبهه علت نخستین: اگر هر چیزی علت دارد پس علت خداوند چیست؟

فلسفه غرب: هر موجودی نیازمند به علت است.

در اسلام: هر موجودی که شرایط معلول بودن را داشته باشد به علت نیازمند است

۱. حادث بودن (خداوند حادث نیست و قدیم است)

حادث	قدیم
ممکن الوجود	واجب الوجود
فقر وجودی	غنی بالذات

۲. .....

صفات الهی:

آیا عقل انسان می تواند صفات الهی را درک کند؟

در پاسخ مسلمانان به سه دسته تقسیم شده اند (سه نظریه بوجود آمده است)

نظرات در مورد امکان شناخت عقلی صفات خدا

۱. نظریه اهل تعطیل (نظریه اهل سنت می باشد)

۲. " " تشبیه (گروه مجسمه) (یعنی هر صفتی که خدا دارای باشد برای انسان قابل فهم باشد (نظریه وهابیون)

یعنی حالاتی که برای انسان بوجود می آید مثل خشم، مهربانی و غیره برای خدا هم این حالات بوجود می آید.)

۳. نظریه اهل اثبات بلا تشبیه (نظریه شیعیان)

(یعنی وقتی می گوییم خداوند مهربان است این مهربانی قابل تشبیه برای حالات بوجود آمده مهربانی در انسان نیست)

نقد اهل شیعه به نظریه اهل تعطیل اهل سنت: اگر صفات الهی قابل شناخت نباشد چرا خداوند صفات خود را در قرآن ذکر کرده است؟

نقد اهل شیعه به نظریه اهل تشبیه: جواب: لیس کمثله شیء

منابع شناخت صفات الهی: ۱. علوم تجربی ۲. علوم عقلی ۳. علوم عرفانی ۴. علوم دینی

قرآن

احادیث و اخبار

IDEA

توقیفی بودن صفات الهی:

صفات الهی متوقف است بر آنچه منابع شناخت که در قرآن و احادیث معتبر آمده است

برخی از صفاتی که از طریق عقل اثبات می شود.

۱- خدا مرکب نیست نظرات در (احد) مورد امکان شناخت عقلی صفات خدا

۲- خدا دیده نمی شود (زیرا خداوند ماده نیست و از ماده تشکیل شده است)

۳- خدا در زمان و مکان واقع نمی شود

۴- خدا در چیزی حلول نمی کند
وارد شدن

خداوند نامحدود است و جسم انسان محدود و نامحدود در محدود واقع نمی شود

صفات الهی:

اقسام صفات الهی

۱- ثبوتیه:

۱- ذاتیه: صفاتی که از مقام ذات خداوند ناشی می شود (علم، قدرت، حیات)

۲- فعلیه: " " " فعل " " " (غفار، رزاق، ستار

بررسی پاره ای از صفات الهی:

۱- قدرت ۲- علم ۳- حیات ۴- حکمت ۵- سمیع و بصیر
۶- عدل

۱- قدرت: موجود به گونه ای باشد که اگر بخواهد کاری را انجام دهد و اگر نخواهد ترک کند
(از بین فلسفه)

الف ← انجام دادن
← انجام ندادن

خدا ← الف

آیا خداوند می تواند سنگی را بیافریند که نتوان آن را بلند کرد؟

Iman

آیا علت می تواند معلولی را ایجاد کند که آن معلول، معلول نباشد (سؤال تناقض آمیز)
باشد / نباشد

۲- علم الهی:

علم: حضور صورت شیء نزد عقل

اقسام علم الهی:

۱- علم بذات

۲- علم به موجودات قبل از آفرینش

۳- " " " بعد " "

اجمالی و تفصیلی

۳- حیات الهی: مُدرک فعال، به تدبیر دیگر عالم قادر

۴- حکمت الهی:

الف) خدا کار عبث انجام نمی دهد

ب) خدا کار قبیح انجام نمی دهد

ج) خداوند بهترین کار را انجام می دهد (احسن الخالقین)

۵- سمیع و بصیر:

سمیع: عالم به شنیدنی هاست

بصیر: عالم به دیدنی هاست

عدل الهی:

نظرات در مورد عدل الهی:

۱- هر کاری که خداوند انجام دهد عدل است. (اهل سنت)

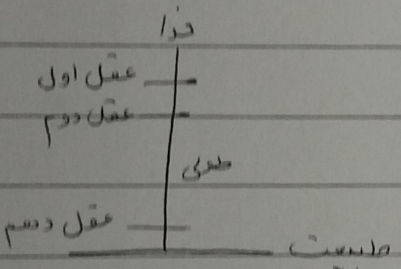
۲- هر کاری که عدل است خداوند انجام می دهد. (شیعیان)

معانی عدل:

۱- موزون آفرین (یعنی با وزن و هماهنگی آفریدن است)

۲- حق هر صاحب حقی را دادن (اگر بیشتر از حق هر کسی به آن شخص دهیم، تفضل می شود)

۳- قرار دادن هر چیز در جای خودش (همه چیز با نظم خاصی در جای خود قرار دارد و نمی توان این نظم را به دلخواه تغییر داد)



اقسام عدل الهی:

۱- عدل تکوینی: خداوند جهان را عادلانه خلق کرده است. (او ۲ و ۳ بالا را رعایت کرده است)

۲- عدل تشریعی: خداوند در ابلاغ قوانین خود توان و طاقت بشر را در نظر گرفته است.

۳- عدل جزایی: در قیامت به کسی ظلم نمی شود

آیا بین عمل انسان و جزا و کیفر الهی تناسب وجود دارد؟

اقسام کیفر و جزا:

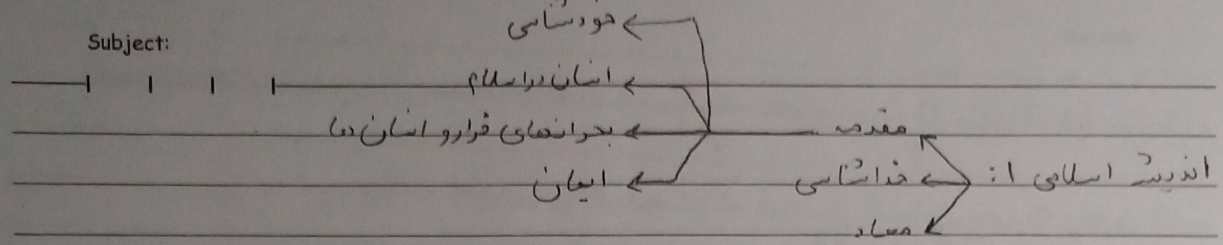
۱- کیفر قراردادی (در قیامت میزان کیفر قراردادی نیست و خداوند برای این کیفرها قراردادی نبسته است)

۲- کیفر طبیعی

۳- کیفر براساس تجسم عمل و (کیفرهای الهی که گریبان گیر انسان ها می شود ساخته شده توسط

خودانسان است و انسان‌ها جزا و کیفر کار خود را می‌بینند.

Subject:



☆ خودشناسی:

تعریف:
۱- تصویر صحیح از خود داشتن (یعنی دچار تکبر و غرور نشود و همچنین ابعاد زندگی انسان (بعد دنیایی و معنوی) را در نظر بگیرد)
۲- شناخت توانایی‌ها و استعدادهای خود
۳- از کجا آمده‌ام؟ در کجا هستم؟ به کجا می‌روم؟
مِن أینَ فی أینَ إلی أینَ

ضرورت و اهمیت خودشناسی:

۱- اصلاح رفتار (انسان فاعل علمی است؛ انسان براساس علم (دانش) خود عمل می‌کند. یکی از مواردی که انسان در آن علم دارد خودش است که اگر انسان خودش را نادرست بشناسد عمل این نیز اشتباه می‌شود)

۲- خوشبختی در زندگی دنیوی (صرفاً به معنی مال و منال نیست منظور راضی بودن از زندگی است)

۳- خداشناسی (مَن عَرَفَ نَفسَه فَقَد عَرَفَ رَبَّه ؛ هرکسی که خودش را بشناسد خدای خود را شناخته است)

۴- استفاده بهتر از عمر کوتاه

منابع خودشناسی:

۱- علوم تجربی و تاریخ

۲- " عقلی

۳- " عرفانی

۴- " دینی ← اسلام

IDEA

این بحث مورد نظر ماست

Subject:

☆ انسان در اسلام: انسان دارای دو بعد است: روحانی و جسمانی که بعد روحانی مهم‌تر است

سؤال: چرا شخصیت انسان از نظر اسلام به بعد روحانی او مربوط می‌شود

۱- در قرآن از مرگ با کلمه توفی یاد شده است (جسم جزئی از ماهیت)

وَفَیَ: أخذ الشیء بتمامه

الله یتوفی الانفس حین موتها

۲- در قرآن وقتی خداوند روح خود را در انسان می‌دهد به خودش تبریک می‌گوید

اثبات روح:

ثبات شخصیت: جسم تغییر می‌کند.
شخصیت تغییر نمی‌کند
⟸ پس شخصیت ارتباطی به جسم ندارد و مربوط به بعد دیگری است

ابعاد روح: (ما علم زیادی در مورد روح نداریم)

۱- ادراک: جسم انسان درک ندارد چون ماده است و تمام ادراک انسان مانند بوکردن، لمس کردن و... مربوط به روح است

۲- گرایش:

الف) غریزی: تمایلاتی که بین انسان و [redacted] حیوانات یکسان است

ب) فطری: مختص انسان است مانند تمایل به زیبایی، تمایل به جاودانگی

رابطه روح و جسم:

انواع موجودات
مادی: چیزهایی که وجود دارند و در زمان، مکان قرار دارند و نابود می‌شوند
مجرد: چیزهایی که وجود مادی ندارند در زمان و مکان قرار نمی‌گیرند و نابود نمی‌شوند

انواع مجرد: ۱- آلی: مجردی که نیاز به ابزاری [redacted] دارد برای انجام کارهایش (مردن یعنی این بخش کارایی خود را از دست بدهد

۲- غیر آلی: مانند خدا و فرشتگان بزرگ (از نظر درجه)

IDEA

Subject:

تصورات درمورد روح:

۱- تصور پرنده به قفس:

۲- تصور بخار آب به آب:

★ بحران های فراروی انسان معاصر برآمده از توجهی به معنویت

۱- دوران توحش:

۲- قرون وسطی: ← در این دوره پایبندی به علم و تمدن و پیشرفت از معنویت دور می شدند و از دین فاصله می گرفتند

۳- دوران مدرنیته: ★ خداوند برای آگاهی و گمراه نشدن انسان ها خواص زیر را به انسان داد
ابزار معرفت: ۱- حواس پنج گانه ۲- عقل ۳- علوم تجربی ۴- وحی ۵- قلب

این بحران ها عبارتند: (بحران اندیشمندان غرب است نه مردم عادی)
- برای شناخت کلی ← خدا
- جزئی ← برای شناخت علم های دنیایی

۱- بحران معرفتی: امروزه در غرب کسی از قلب و عقل استفاده نمی کند و به همین دلیل نمی توانند خدای خود را بشناسند و دچار مشکلات گوناگونی شده اند

۲- بحران اخلاقی: غرب دچار مشکلات زیادی در این زمینه شده مانند: تجاوز، دزدی و از این قبیل مشکلات (قتل، جنایت)

۳- بحران روانی: جامعه ای که از معنویت دور شود دچار مشکلات روانی می شود مانند
افسردگی، اضطراب، پوچ گرایی ← تأثیر آن: خودکشی
← مصرف مواد مخدر

IDEA